

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Social

اجتماعی

سیدهاشم سدید  
۰۲ جون ۲۰۱۶

## برای این که دیگران را اصلاح کنید، اولتر خود را اصلاح کنید!

امروز باید برای اجرای کاری به یکی از ادارات دولتی مراجعه می کردم. چون به مرکز شهر رفته بودم، بهتر دیدم سری هم به برخی از همکاران سابق بزنم. رویهمرفته، به غیر از یکی دو نفر انسان متعصبی که در دنیای خود زندگی می کند و با وجود آن که همیشه از حلال و حرام و ترس از خدا و پیامبر حرف می زند، با کار های غیر قانونی که می کند، هم حرام می خورد و هم به اصطلاح ایرانیان "قید ترس از خدا را نیز زده اند"، انسان های متوهم و از خود راضی که به زمین می گویند "راضی باش که من بر روی تو پا می گذارم"، باقی همه افراد شریفی هستند. همه از دیدن من خوشحال شدند، غیر از یکی دو نفری که بیشتر به تحریک بعضی از شریعتمدارانی که مسجد را به دکانی تبدیل نموده اند.

بعد از احوالپرسی، صحبت از وطن و وضعیت بد وطن دارانی که فعلاً در افغانستان زندگی می کنند، آغاز یافت. از فقر و از جنگ و از فساد و کشمکش های "عبدالله" و "غنی"، زد و خورد "دوستمی" ها و "جمعیتی" ها در شمال، قومی شدن بسیاری از مسائل در کشور، غفلت از مناقع ملی، آمدن "حکمتیار"، شکر رنجی های ظاهری امریکا و پاکستان، استخراج و تاراج معادن توسط زورگویان، قوت یافتن طالب، ربودن ۱۸۶ نفر توسط طالب در فاریاب، فیصله دولت در خصوص اعمار خرابی های قصر دارالامان و این که چقدر پول از ۱۶.۵ میلیونی که برای ترمیم آن اختصاص داده شده است حیف و میل خواهد شد، از ثروت های کلان باد آورده ثروتمندان نو کیسه، فساد و بی کاری همه گیر، وسعت فحشای ناشی از غربت و مجبوری و بی کاری و رابطه فساد و فقر و...

وقتی سخن به رابطه فساد و فقر و فحشاء رسید، یکی از آن میان با تأثر گفت: "شاید شنیده باشید که چندی قبل در فلان مسجد شهر یکی از متولیان سرشناس و گنده دین آمده بود که ضمن دادن هشدار به سامعین در مورد یک تعداد از افرادی که علیه دین و علیه علمای دینی نوشته می کنند، به همه آنانی که در مسجد جمع شده بودند، گفت که باید جلو این ها را به هر ترتیبی که شده است، بگیریم. یا آن ها را از گمراهی نجات بدهیم و به راه بیاوریم و یا این که به ایشان از راه دیگری (زور) بفهمانیم که از این کار خود دست بردارند. همین هموطن ضمناً گفت که مبلغ مذکور از شهری آمده بود که در حدود دو صد و پنجاه کیلو متر از شهر ما دور است. نه کاری دارد و نه عایدی که از عرق جبین خود به دست آورده باشد، غیر از پول "سوسیال" - به قول امریکائی ها "ولیفیر" - ولی صاحب موتر بنزی است که در حدود چهل هزار یورو ارزش دارد. اداره مسجد هم بعد از آن که تبلیغات آتشین و تحریک آمیزش را تمام کرد، مبلغ هفت

هزار یورو به او به شکل اعانه معاونت کرد. یکی از هموطنان دیگر با تأثر و تندگی گفت: از برای خدا، مردم ما به یک لقمه نان احتیاج هستند و این ها این همه پول را به جای این که به مردم محتاج و گرسنه و فقیر، به ده ها فامیل بی سرپرست که دارای اطفال قد و نیم قدی هستند و عایدی هم ندارند، کمک کنند به این انسانی که تنها یک انگشتری که به کلک دارد ده هزار یورو ارزش دارد، می دهند. آیا این انسان عوام فریب دین فروش قانون شکن حرام خور که هیچ نیازی به کمک ندارد، لازم بود این پول را دریافت می کرد، یا چندین فامیلی بینوا و احتیاج به کمک در وطن؟ دیگری که تا این دم سر به زیر انداخته بود و با سکوت سخنان دیگران را می شنید، سر بلند کرد و گفت:

"شما موضوع را تنها از یک زاویه مورد نقد قرار دادید، ولی من می خواهم، اگر یکی از این ها این جا باشد و به حرف های من گوش بدهد، از این ها بپرسم که شما با کدام چشم و با کدام جرأت از اصلاح آنانی که به مخالفت شما برخاسته اند، حرف می زنید. آیا شما به دین و خدا و پیامبرش باور دارید؟ من که فکر نمی کنم! کسی که به دین و به خدا و پیامبرش باور داشته باشد، به دین و به خدا و حرف خدا و پیامبرش پابندی نشان می دهد و از خدا و پیامبرش حیاء می کند. همین که شما به دین و به خدا و کلام خدا اهمیت قائل نمی شوید و بدان عمل نمی کنید و آن را جدی نمی گیرید، خود نشان می دهد که شما به هیچ کدام از این ها آن گونه که دعوا دارید، اعتقاد ندارید و این که شما با این فهم از دین به دین اعتقاد ندارید خود بدان معنی است که سخنانی غیر قابل قبولی در دین وجود دارد که اعتقاد شما را نسبت به دین سست و زائل کرده است و ترسی را که از خدا در قرآن بار بار صحبت شده است، نه جدی می گیرید و نه در دل تان رخنه کرده است. وقتی مردم شما را می بینند که چگونه، با آنکه از ذره ذره قرآن به خوبی آگاه هستید، به دزدی و چپاول و دروغ و حرام خواری و فساد و ده ها کار ناشائست و ناروای دیگر دست می زنید، چگونه به شما و به آنچه شما می گوئید باور کنند، یا مطمئن شوند که بنیاد دین استوار و به حق است. توئی که از همه جزئیات دین آگاه هستی، بدان پای بند نیستی، از من بی خبر از قرآن و تعالیم اسلام چه توقع داری؟ به موترت که سی چهل هزار یورو ارزش دارد نگاه کن. این پول از کجا آمده است؟ در میان ما افغانان یک مثل است که می گوید: "مال هر کسی را که می خوری، مال کافر را نخوری که هیچ وقتی خدا آن را نمی بخشد." تو هم از سوسیال می گیری و هم از صد راه دیگر با دزدی و گرگی پول در می آوری! آیا این پولی را که از سوسیال می گیری، یا سال ها از سوسیال می گرفتی، با آن که هم کار می کردی و هم قرآن فروشی، حرام نیست؟ به بزرگان تان نظر کنید! به رهبران جهادی تان بنگرید! به "سیاف" و "محسنی" و صد ها محاسن سفید ظاهر ا پاک دامن تان که تا سه دهه پیش گدائی می کردند، ولی حال برای ساختن یک مکتب دینی که هزارها دین فروش دیگر مانند خودش در آن تربیت خواهند شد میلیون ها دالر مصرف می کنند، نظر کنید. این همه پول از کجا شده است؟ و از کدام راه به دست آمده است؟ اگر یکی از بحث های دین اجتناب از خوردن مال حرام است، چرا از این حرام خوری ها احتراز نکرده و احتراز نمی کنید؟ اگر عذاب دوزخ حق است، چرا از این عذاب ترس ندارید؟

دین و خدائی که به حق است، آیا دساتیرش این قدر بی قدر پنداشته می شود! دینی که به ایمان تبدیل شود، تعالیم و دساتیرش هرگز چنین زیر پا نمی شود که شما آن را زیر پا می کنید. چگونه دین و چگونه ایمانی است این دین و ایمانی که متولیان آن به آن هیچ نوع احترام و پای بندگی نشان نمی دهند؟

این همه عمارت سه، چهار و پنج منزله رهائشی با کدام پول حلال آباد شده است؟ این همه شهرک و بانک و شرکت های هوائی و... با چه پولی ساخته شده است؟ آیا چور و چپاول زمین های مردم و ملکیت های دولتی را که در واقع ملکیت میلیون ها انسان محتاج و فقیر است، ملکیت میلیون ها بیوه و یتیم و میلیون ها انسانی که نان شب و روز خود را ندارد و شب و روز شان در زیر خیمه های خودساخت از تکه پاره ها در سرمای زمستان و در گرمای تابستان با هزار

مشکل به سر می برند، امر دین و امر خداست؟ به اخلاق و شیوه زندگی خود نگاه کن و به اخلاق و شیوه زندگی آنانی که می خواهی آن ها را اصلاح کنی نظری بیفکن؟ چگونه و با چه زبانی می خواهی آن ها را اصلاح کنی؟ چه کار ناروا و نا صواب و غلط آن ها را می خواهی اصلاح کنی؟

اگر می خواهی این ها را که به زعم تو گمراه اند، به زعم توئی که گمراهی خود را نمی بینی، به زعم توئی که کور خود و بینای مردمی، به زعم توئی که خود به چهار کتاب هم گمراه هستی و هم کافر، باید اولتر از همه خود را اصلاح کنی! تو که مبلغ و متولی دین هستی و خود را نگهبان دین می خوانی، باید اولتر از همه، به همه گناهانی که کرده ای اعتراف کنی، برای همه گناهانی که از تو سر زده است باید هم از مردم و هم از خدا بخشش بخواهی و خود به نمونه ای از پاکی و تقوا و شرافت و درستکاری و انسانیت و راستی تبدیل گردی، بعد از آن به فکر اصلاح دیگران بیفتی، اگر براستی نقصی در کار و گفتار دیگران وجود داشته باشد!

دین تنها خم و راست شدن و شستن کون و بستن دهن در ماه رمضان و رفتن به مسجد نیست. دین، دل انسانی را به دست گرفتن است، به سر یتیمی دست کشیدن است، شکم گرسنه ای را سیر کردن است، از حرام دوری جستن است، دروغ نگفتن و از ریاء خود را نگه داشتن است و... شما خود گمراه هستید و گمراهان هیچ گاهی نمی توانند رهنمای دیگران شوند. اگر منظور پاکی و درستکاری و شرافت و پای بندی به اصول اخلاقی و احترام به حقوق دیگران و ترحم به بیچاره و درمانده و بینوا و فقیر و برابری انسان ها و خدا شناسی اصیل است، باید شما ها به همین انسان هائی که آن ها را گمراه می خوانید، اقتداء کنید، نه این ها به شما. و اگر اینست که آب زور سر بالا می رود، از زور کار بگیرد. دیده شود که زور زورگویی که با تکیه به دروغ و ریاء و با اتکاء به زور آوران تخیلی آسمان ها متوسل به فشار و شکنجه و تهدید و ترور می شوند بیشتر است، یا مقاومت کسانی که به روی زمین می ایستند و به روی زمینی که با پوست و گوشت شان آن را لمس می کند، راه می روند!

با تأسف به همین جا که رسید، کسی او را صدا کرد. نوبت او رسیده بود و باید می رفت. رفت... من که نمی خواستم بعد از این صحبت جاندار و صد در صد به حق و شیرین یک کلمه دیگر هم بشنوم، با آوردن عذری با همه خدا حافظی نمودم. در راه منزل تصمیم گرفتم تا این صحبت زیبا را در قالب یک مقاله در بیابم تا آنانی که به این گونه بحث ها علاقه مند هستند نیز از آن لذت ببرند. روز و شب همه خوش. موسوی صاحب محترم هم زحمت ویراستاری خویش را به بزرگواری می بخشند.

۲۰۱۶/۰۶/۰۱